

The debate about women and the injustices inflicted on them is a very important one, and the growing unfairness of girls and women all over the world shows the importance of paying attention to it and the need to develop an effective and efficient criminal policy in this field. However, the law seems to have taken general measures against violent crimes against women in most cases. Therefore, it is necessary to take principled measures for legal and criminal protection without discrimination and taking into account the gender of women for legal issues related to women, in order to ensure the necessary effectiveness of the law against women. Considering that women's rights are one of the most important fields of human rights and the position of women's rights in any society is the best indicator and level for measuring the position of human rights in that society, therefore, this research is descriptive-analytical. It examines Iran's criminal-legislative political approaches to the vulnerability of women victims. The purpose of this study is to answer the question of whether there is adequate legal, civil, financial and ... support for women victims or not? It has been concluded that the victimization of women in its specific meaning has not been adequately accepted by the Iranian legislature, and that women in a few cases enjoy a criminal justice system, and only some laws have been enacted and protected against them. Has been mostly in the form of a criminal and is not sufficient and convincing.

Keywords: Legislative criminal policy, victimized women, protection, law.

رویکرد سیاسی جنایی تقنینی ایران نسبت به زنان زیان دیده

زهرا بیگ زاده^۱امیر حمزه سالارزائی^۲نادر مختاری افراکتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۷

چکیده

بحث درباره‌ی بانوان و ناحقی‌های وارده بر آنان بحث بسیار مهمی شده است و گسترش فزاینده ناحقی بر دختران و بانوان تمام دنیا نشان‌گر اهمیت توجه به آن و ضرورت تدوین یک سیشده است جنایی کارآمد و مؤثر در این زمینه شده است. با این وجود به نظر می‌رسد قانون در برابر جرائم خشونت‌بار نسبت به بانوان، در اغلب موارد تدابیر عام و کلی اتخاذ کرده شده است. بنابراین آنچه ضروری شده است تدابیر اصولی برای حمایت قانونی و قضایی بدون تبعیض و با در نظر گرفتن جنسیت زن برای مسائل قانونی مربوط به بانوان شده است، تا کارآمدی لازم در قانون در قبال زن رعایت شود. با توجه به این که حقوق بانوان یکی از مهم‌ترین رشته‌های حقوق بشر و موقعیت حقوق بانوان در هر اجتماعی بهترین شاخص و تراز برای سنجش جایگاه حقوق بشر در آن اجتماع شده است، بر همین اساس این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی رویکردهای سیاسی جنایی-تقنینی ایران در قابل بانوان زیان دیده پرداخته شده است. هدف از این پژوهش رسیدن به پاسخ این پرسش شده است که آیا حمایت شایسته قانونی، مدنی، مالی و ... از بانوان زیان دیده صورت گرفته شده است یا نه؟ و به این نتیجه رسیده شده است که بزه‌دیدگی بانوان به معنی خاص آن به‌طور شایسته مورد پذیرش قانون‌گذار ایران قرار نگرفته و بانوان در موارد معدودی از نظام عدالت قضایی برخوردارند و تنها برخی قوانین درباره‌ی آنان وضع شده و حمایت‌ها بیشتر در قالب قضایی بوده شده است و کافی و قانع‌کننده نیست.

کلیدواژگان: سیشده است جنایی تقنینی، بانوان زیان دیده، حمایت، قانون.

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان ایران.

^۲ استاد تمام گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان ایران.

^۳ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان ایران

مقدمه

اصطلاح سیشده است جنایی در کشورهای غربی برای نخستین بار بیش از دو سده توسط حقوقدان آلمانی، از جمله فویر باخ (۱۸۰۳) و کلاینشرود در قالب واژه‌ی *Kriminalpoliti* وارد ادبیات حقوق قضایی شد. از نظر این حقوق‌دانان موضوع سیشده است جنایی؛ مطالعه، تعیین و پیشنهاد وسائل مبارزه با بزهکاری به قانون‌گذار و مراجع مختلف دولتی شده است، اما این وسائل از نظر ماهیت و نوع باید به‌گونه‌ای باشند که در چهارچوب حقوق قضایی بگنجد. بدین ترتیب، تدابیر سیاسی- جنایی زمانی قابل اعمال بودند که جرمی به وقوع می‌پیوست و با توجه به عدم پیدایش جرم‌شناسی و اقدام‌های تأمینی در آن دوران، این تدابیر در مجازات‌ها خلاصه می‌شدند. پس مراد آن حقوق‌دانان از عنوان سیشده است جنایی، در واقع سیشده است قضایی؛ یعنی تدبیر، تدبیر و چاره‌اندیشی راجع به کیفر و چگونگی اعمال آن در مقابل جرم و نسبت به بزهکاران بوده شده است (حسینی، ۱۳۸۳: ۹۴).

به دنبال بحث سیشده است جنایی، سیشده است تقنینی را می‌توان به طرز تلقی و برداشتی که مقام‌های قانون‌گذاری در قالب وضع و تصویب متون مختلف از سیشده است جنایی دارند و یا آنچه که قانون‌گذار به ما ارائه می‌کرده است، تعبیر نمود (همان، ۱۴۲). قوه مقننه با توجه به چارچوب و اصول راهبردی سیشده است جنایی آن‌گونه که مجلس «خبرگان» در قانون اساسی تدوین و پیش‌بینی کرده‌اند به وضع و تصویب قوانین می‌پردازند و به این ترتیب، جهت‌گیری‌ها و ابزارهای سیشده است جنایی را مشخص می‌کرده است. به عبارت دیگر، انتخاب‌های سیاسی، علمی و نیز خط مشی کلی سیشده است جنایی در مراجع تقنینی تعیین می‌شود. بنابراین، مجموع متون حقوقی (اعم از قضایی و غیرقضایی)، در زمینه‌ی یک پدیده‌ی مجرمانه که توسط مراجع قانون‌گذاری هر کشوری تدوین می‌گردند بیان‌گر سیشده است جنایی تقنینی آن کشور در خصوص همان پدیده شده است (همان، ۱۴۲).

سیشده است تقنینی بر حقوق زیان دیده نه فقط مستلزم دریافت و پذیرش مثبت هیأت (دادگاه‌ها)، بلکه هیأت اجتماع (جامعه مدنی) از طریق انجمن‌های کمک‌رسانی به بزه‌دیدگان نیز هست. این سیشده است در واقع یک سیشده است جنایی مبتنی بر مشارکت جامعه‌ی مدنی شده است. به‌طور کلی شیوه‌های مقابله با جرم را که در متون قوانین و مقررات قضایی متجلی شده است، سیشده است جنایی تقنینی می‌نامند، قانون‌گذار قضایی برای انشاء قوانین باید به روش‌های علمی و عملی مبارزه با جرم متوسل شود، زیرا حقوق قضایی علمی تحقیقی بوده و مطالعات مرتبط با آن باید دارای روش شفاف و منطقی بخصوصی باشد. در واقع سیشده است جنایی تقنینی باید متضمن حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و حامی منافع جامعه باشد.

باتوجه به این موضوع، این پژوهش درصدد آن شده است تا ببیند چه میزان سیشده است جنایی تقنینی توانسته در قبال بانوان زیان دیده حمایت‌های قانونی و مدنی و... را داشته باشد و تا چه میزان بین این حمایت‌های تناسب یا عدم تناسب وجود است.

قانون مجازات اسلامی

ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی سرلوحه‌ی وظایف دولت شده است. حمایت از مادران به‌ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و پشتیبانی از کودکان بی‌سرپرست

وظیفه‌ای شده است که بر دوش دولت گذاشته شده است، در ادامه‌ی مطالب به قوانین مربوط به بانوان زیان دیده اشاره می‌شود، تا میزان توجه یا بی‌توجهی دولت از منظر قانون‌گذاری آشکار شود.

قانون آئین دادرسی قضایی ایران نسبت به بانوان زیان دیده

آئین دادرسی قضایی ایران همانند بسیاری از قوانین آئین دادرسی کشورهای دیگر یک آئین دادرسی مردانه شده است و بسیاری از مقررات آن با در نظر گرفتن موقعیت و وضعیت یک مرد متعارف در جامعه تنظیم شده‌اند. تصور برتری مرد بر زن دارای پیشینه‌ی تاریخی طولانی شده است و ویژه‌ی جامعه اسلامی نیست و نباید تصور کرد که این تبعیض‌ها را مقررات اسلام ایجاد کرده‌اند، بلکه این‌ها تبعیض‌هایی‌اند که از دوران بسیار قدیم وجود داشته و در جامعه‌ی ایرانی و اسلامی هنوز حفظ شده‌اند.

منشأ برخی از این تبعیض‌ها مانند عدم اعتبار گواهی بانوان در مورد برخی از جرم‌ها یا عدم اعتبار گواهی آنان بدون همراهی با گواهی مردان، باور مردان به ضعف بانوان شده است یا این باور شده است که چون زن بیشتر تابع احساس خود شده است در مقام بیان حقیقت ممکن شده است احساس بر وی غلبه کرده است. بنابراین این باور وجود است که بانوان همانند مردان توان بازگویی حقیقت را به‌گونه‌ای که دیده یا شنیده‌اند، ندارند. به نظر می‌رسد که بر فرض هم که چنین باشد، منشأ آن این بوده که به بانوان اجازه و فرصت حضور در عرصه‌های اجتماعی داده نشده است.

حضور و ابراز وجود بانوان در سال‌های اخیر در جامعه‌ی ایران و سایر کشورها نادرستی این تصورات را اثبات کرده شده است. در مورد غلبه‌ی احساسات بر عواطف نیز، اگر چنین باشد، با توجه به این که اصولاً تشخیص میزان اعتبار و ارزش گواهی با دادرسی شده است، وی می‌تواند با در نظر گرفتن چگونگی بیان جریان امر، ارزش و اعتبار گواهی را ارزیابی کرده است، بنابراین به نظر می‌رسد که توجیهی برای تبعیض در این مورد وجود نداشته باشد، اما از جنبه‌ی رسمی وضعیت متفاوت‌تر شده است. در این زمینه بانوان به لحاظ وضعیت خاص جسمی خود دارای تفاوت‌های اساسی با مردان‌اند. وجود این ویژگی‌های جسمی متفاوت در بانوان ایجاد می‌کرده است که از نظر اجرای مقررات آئین دادرسی قضایی در بخش اجرای حکم تفاوت‌هایی میان آنان و مردان وجود داشته باشد. نباید چنین تصور کرد که این تفاوت‌ها نوعی تبعیض به نفع بانوان‌اند، زیرا این تفاوت در برخورد تنها به لحاظ عارض شدن حالت‌هایی بر زن شده است که با از میان رفتن آن، این تفاوت‌ها نیز از میان می‌رود؛ هم‌چنان‌که در بانوانی که چنین حالت‌هایی بر آنان عارض نمی‌شود، چنین تفاوت‌هایی نیز اعمال نمی‌شود (کار، بی‌تا: ۱۴۶).

رویکرد قوانین ماهوی ایران نسبت به بانوان زیان دیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی شده است که انعکاس خوشه است قلبی امت اسلامی شده است.

اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف نموده حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را تأمین نماید، زیرا امنیت افراد جامعه یکی از اصولی‌ترین ویژگی نظام حقوقی اسلام شده است. هم‌چنین بر رفع تبعیضات ناروا و ایجاد

امکانات عادلانه برای زن و مرد، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی تأکید است. در این اصل بر مشارکت بانوان در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش اشاره شده و تسهیل و تعمیم آموزش عالی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی برای همه چه زن و چه مرد در تمام سطوح جزو وظایف دولت شمرده شده شده است.

در اصل بیستم قانون اساسی همه افراد اعم از زن و مرد به‌طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست‌ویکم قانون اساسی معطوف به حقوق زن شده است، دولت موظف شده است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.

ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی سرلوحه وظایف دولت شده است. حمایت از مادران به‌ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و پشتیبانی از کودکان بی سرپرست وظیفه دیگری شده است که به دوش دولت گذاشته شده است.

ایجاد و امنیت قضایی دو اصول دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای همگان مورد تأکید قرار گرفته، اما در این اصل با ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده امنیت ویژه‌ای برای حضور بانوان در محاکم و دادرسی را فراهم نموده شده است.

ضمن آن‌که بیمه خاص برای بانوان سالخورده و بی سرپرست و بانوان بیوه از سوی دولت باید تأمین گردد. علاوه بر تأمین حقوق مادی زن در اصل بیست و یکم به ابعاد عاطفی و احساسی و معنوی زن توجه شده و در مواردی قیومیت فرزندان به مادران اعطا می‌شود، زیرا عواطف و احساسات پاک مادری از قوی‌ترین عواطف انسانی شده است.

لذا باتوجه به جایگاه زن در قانون اساسی شورای عالی انقلاب فرهنگی، به پیشنهاد شورای فرهنگی اجتماعی بانوان در سال ۱۳۸۳ منشور حقوق و مسئولیت‌های بانوان در نظام جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد که این منشور با الهام از شریعت اسلامی و مبتنی بر قانون اساسی تدوین گردیده شده است و در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های بانوان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی در مجلس تصویب و به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسید.

در قانون مذکور حقوق فردی بانوان مورد توجه ویژه قرار گرفته، حق برخورداری از زندگی شایسته و سلامت جسمانی و روانی و پیشگیری در مقابل هرگونه بیماری و حادثه و یا تعدی منظور شده است. آزادی اندیشه و مصونیت از تعرض و عدم امنیت در داشتن اعتقاد به‌عنوان حق محفوظ بوده شده است. مصونیت جانف مال و حیثیت بانوان و زندگی خصوصی آنان از تعرض غیرقانونی و حق برخورداری از عدالت اجتماعی در اجرای قانون بدون لحاظ جنسیت تأکید گردیده شده است. حتی بانوان پیرو مذاهب اسلامی و اقلیت‌های دینی در انجام مراسم و تعلیمات دینی و احوال شخصی خود وفق آئین خود در نظر گرفته شده شده است.

بانوان ایرانی در شده استفاده از پوشش و گویش‌های بومی آزاد هستند و از جمله حقوق فردی بانوان حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم شده است.

درباره‌ی حقوق و مسئولیت‌های دختران باید گفت که آنان حق برخورداری از سرپرستی شایسته توسط والدین و حق برخورداری از مسکن، پوشاک، تغذیه سالم و کافی، تسهیلات بهداشتی جهت تأمین سلامت جسمانی و روانی آنان مورد عنایت ویژه قرار گرفته و در ابعاد تعلیم و تربیت تمهیداتی اندیشیده شده، همچنین نیازهای عاطفی و روانی و برخورداری از رفتار ملاطفت‌آمیز والدین و مصونیت آنان از خشونت‌های خانوادگی، عدم تبعیض بین دختر و پسر و حمایت و نظارت حکومت از دختران بی سرپرست و بدسرپرست از جمله حقوق مصرح در این قانون شده است.

بانوان در هنگام ازدواج و تشکیل خانواده حقوق و مسئولیت‌هایی دارند که حق تعیین شروط ضمن عقد و ضمانت اجرایی شروط مندرج در حین زندگی مشترک، حق ثبت رسمی ازدواج، برخورداری زن از حقوق مالی در ایام زوجیت مانند مسکن مناسب، هزینه‌های جاری اعم از خوراک، پوشاک، هزینه درمان بیماری، هزینه‌های ایام بارداری و شیردهی فرزند و پشتوانه مالی تحت عنوان مهریه یا کابین زن از جمله حقوق ضروری و اولیه ازدواج شده است.

حقوق بانوان در هنگام انحلال و متارکه از نکات قابل توجه در این قانون شده است. زن در صورت عدم امکان سازش پس از مراجعه به دادگاه صالح حق جدایی از همسر را است. ضمن این‌که از حقوق مادی خود بهره‌مند می‌شود. در خصوص حضانت و نگهداری فرزند تا سن ۷ سالگی، حق و مسئولیت با مادر شده است و حمایت مالی از سوی پدر و در صورت انقضاء یا اسقاط دوران حضانت، حق ملاقات با فرزند محفوظ شده است. در بند ۴۵ این قانون حق طرح دعوا در محاکم جهت ممانعت از ازدواج مجدد همسر مطمع نظر بوده و در رده استای ضمانت اجرایی شروط ضمن عقد، در صورت جدایی نصف دارایی مرد به زن داده می‌شود و حق برخورداری زن از حقوق مادی خویش در نظر گرفته شده است.

بخش سوم اختصاص به حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی بانوان است: حق مشارکت بانوان در سیشده است‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در امور فرهنگی به‌ویژه در خصوص مسائل بانوان، همچنین حق تبادل اطلاعات و ارتباطات فرهنگی سازنده در ابعاد ملی و بین‌المللی از ویژگی‌های حقوق اجتماعی شده است.

حق بهره‌مندی از بهداشت محیط کار، حق دسترسی فراگیر و عادلانه به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم از حقوق مندرج در قانون شده است. بانوان حق دارند از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی و خدمات مشاوره‌ای و آزمایش‌های پزشکی به‌منظور اطمینان کامل در ازدواج بهره‌مند گردند. حق بهره‌مندی بانوان و دختران آسیب‌دیده جسمی، ذهنی، روانی و در معرض آسیب از امکانات توان‌بخشی مناسب و حق بهره‌مندی از تغذیه سالم خصوصاً در دوران بارداری و شیردهی از اولویت‌های حقوق اجتماعی بانوان جمهوری اسلامی ایران بوده شده است.

جایگاه بانوان در بخش‌های در بخش‌های آموزش و پرورش و پژوهش مورد توجه قانون‌گذار بوده و تحصیل در آموزش عالی تا بالاترین سطوح علمی و مهارت‌ها و آموزش‌های تخصصی، حق پژوهش، تألیف و... برای بانوان پیش‌بینی و منظور شده است (بکاریا، ۱۳۸۰: ۱۵۹-۱۶۴).

قانون مجازات اسلامی

به نظر می‌رسد قانون‌گذار در وضع قوانین و مقررات شیوه‌ای متشتت را به کار گرفته شده است، به گونه‌ای که اساساً طیف جرم‌انگاری‌ها ناظر به جرائمی با ماهیت خاص که اغلب، علیه ناتوانان ارتکاب می‌یابند، نبوده و به‌طور عمده فاقد نظام‌مندی و انسجام هستند. حتی در مواردی، قانون‌گذار در مورد یک جرم دو رویکرد کاملاً متفاوت را اتخاذ کرده که حاکی از عدم موضع‌گیری آگاهانه و قاعده‌مند قانون‌گذار قضایی نسبت به جرائم ارتکابی علیه ناتوانان و نیز عدم شناخت صحیح قانون‌گذار از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر و نیازها و خوشه‌ای دسته‌های آنان شده است. همچنین قانون‌گذار حمایت قضایی خود را به صورت نظام‌مند به ناتوانان زیان دیده معطوف نکرده شده استف بلکه به‌طور پراکنده استه و سلیقه‌ای جرم‌انگاری‌هایی را به منظور حمایت از این بزه‌دیدگان انجام داده شده است. حتی در این موارد نیز جرم‌انگاری‌ها صراحتاً از سوی قانون‌گذار، ناظر به ناتوانان نبوده، بلکه به‌طور ضمنی و از مواد قانون مجازات اسلامی و با تفسیری مبتنی بر حمایت از زیان دیده می‌توان به مواد قانونی، صبغه‌ای زیان دیده محور بخشید. به نظر می‌رسد که حقوق قضایی ماهوی از لحاظ وضع قوانین قضایی مناسب به‌منظور حماات از زیان دیده قصور ورزیده شده است و حتی در مواردی حمایت‌هایی تبعیض‌آمیز را در مقایسه با سایر تابعان حقوق قضایی اعمال کرده، به‌طوری که قانون‌گذار به آسیب‌پذیری بزه‌دیدگان توجه نکرده شده است (رایجیان، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

رویکرد قوانین شکلی ایران نسبت به بانوان زیان دیده

قانون آئین دادرسی کیفری

آئین قانون دادرسی کیفری ایران همانند بسیاری از قوانین دادرسی کشورهای دیگر یک آئین دادرسی مردانه شده است و بسیاری از مقررات آن با در نظر گرفتن موقعیت و وضعیت یک مرد متعارف در جامعه تنظیم شده‌اند. نتیجه این شیوه نگرش آن شده است که در این قانون نیز، همانند قوانین ماهوی، برتری مردان نسبت به بانوان کاملاً مشهود شده است. تصور برتری مرد بر زن دارای پیشینه تاریخی طولانی شده است و ویژه جامعه اسلامی نیست و نباید تصور کرد که این تبعیض‌ها را مقررات اسلام ایجاد کرده‌اند، بلکه این‌ها تبعیض‌هایی‌اند که از دوران بسیار قدیم وجود داشته و در جامعه ایرانی و اسلامی هنوز حفظ شده است.

منشأ برخی از این تبعیض‌ها مانند عدم اعتبار گواهی بانوان در مورد برخی از جرم‌ها یا عدم اعتبار گواهی آنان بدون همراهی با گواهی مردان، باور مردان به ضعف بانوان شده است یا این باور شده است که چون زن بیشتر تابع احساس خود شده است، در مقام بیان حقیقت ممکن شده است احساس بر وی غلبه کرده است. بنابراین این باور وجود است که بانوان همانند مردان توان بازگویی حقیقت را به گونه‌ای که دیده یا شنیده‌اند، ندارند. به نظر می‌رسد که بر فرض هم که چنین باشد، منشأ آن این بوده که به بانوان اجازه و فرصت حضور در عرصه‌های اجتماعی داده نشده است.

حضور و ابراز وجود بانوان در سال‌های اخیر در جامعه ایران و سایر کشورها نادرستی این تصورات را اثبات کرده شده است. در مورد غلبه احساسات بر عواطف نیز اگر چنین باشد، با توجه به این که اصولاً تشخیص میزان اعتبار و ارزش گواهی با دادرسی شده است، وی می‌تواند با در نظر گرفتن چگونگی بیان جریان امر، ارزش و اعتبار گواهی را ارزیابی کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد که توجیهی برای تبعیض در این مورد وجود نداشته باشد، اما از نظر جنبه جسمی، وضعیت متفاوت شده است. در این زمینه بانوان به لحاظ وضعیت خاص جسمی خود دارای تفاوت‌های اساسی با مردان هستند. وجود ویژگی‌های جسمی متفاوت در بانوان ایجاب می‌کند که از نظر اجرای مقررات آئین دادرسی قضایی در بخش اجرای حکم تفاوت‌هایی میان آنان و مردان وجود داشته باشد. نباید چنین تصور کرد که این تفاوت‌ها نوعی تبعیض به نفع بانوان است، زیرا این تفاوت در برخورد فقط به لحاظ عارض شده حالت‌هایی بر زن شده است که با از میان رفتن آن این تفاوت‌ها نیز از میان می‌رود، هم‌چنان‌که در بانوانی که چنین حالت‌هایی بر آنان عارض نمی‌شود، چنین تفاوت‌هایی نیز اعمال نمی‌شود.

ملاک‌های حمایت از زیان دیده

بر اساس اصول دادرسی، برخی از این ملاک‌ها به صورت مستقیم جهت حمایت از زیان دیده تعیین کرده است و برخی دیگر به صورت غیرمستقیم زیان دیده را مورد حمایت قرار داده است. البته ناگفته نماند بیشتر این موارد بین زن و مرد مشترک شده است. این مسأله از بُعدی مثبت شده است که تفاوتی در بین زن و مرد قائل نشده‌اند، از بُعدی منفی شده است، چراکه شرایط زن و مرد هرگز یکسان نیست، چه از منظر جسمی، چه روحی و چه مادی.

- حمایت‌هایی مستقیم

الف) ضرورت حضور وکیل

اصولاً در طول فرایند قضایی باید یک یا چند نفر باشند که به‌عنوان رابط میان زیان دیده و دستگاه قضایی روند رسیدگی به پرونده را پی‌گیری کنند و اطلاعات پرونده را کسب و به زیان دیده و دستگاه قضایی روند رسیدگی به پرونده را پی‌گیری کنند و اطلاعات لازم پرونده را کسب و به زیان دیده گو شزد کنند و اقداماتی حقوقی لازم را در مورد پرونده انجام دهند. یقیناً بهترین کسانی که در این زمینه می‌توانند به زیان دیده کمک برسانند وکلای دادگستری هستند. در مقررات دادرسی قضایی ایران تعیین وکیل از جانب زیان دیده جنبه تخییری است و زیان دیده می‌تواند از آغاز تا پایان فرایند قضایی وکیل به همواره داشته باشد (ماده ۶۹ قانون آئین دادرسی قضایی ۱۳۷۸) و تعداد وکلای زیان دیده در هیچ یک از مراحل قضایی محدود نشده است و زیان دیده می‌تواند وکیل یا وکلای خود را به همراه داشته باشد. ضرورت حضور وکیل از جانب زیان دیده در فرایند قضایی از جمله مواردی شده است که در حمایت از زیان دیده غیرقابل انکار شده است. در اکثر موارد هزینه‌های ناشی از پرداخت حق‌الوکاله، زیان دیده را در استفاده از چنین فرصتی دچار مشکل می‌نماید. چنان‌چه قانون‌گذار تسهیلات بیشتری را در تعیین وکیل در اختیار زیان دیده قرار دهد این ضرورت برطرف می‌شود و زیان دیده تمایل بیشتری به تعیین وکیل خواهد داشت.

(ب) شده استرداد اموال و اشیاء

بازگرداندن اموال و اشیای متعلق به زیان دیده که در اکثر ارتکاب جرم از تصرف زیان دیده خارج شده‌اند از جمله تشریفات شده است که در دادگستری قضایی رعایت می‌شود (ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ماده ۱۱۱ قانون آئین دادرسی قضایی ۱۳۷۸). نکته‌ای که به نظر می‌رسد که قانون‌گذار برای شده استرداد اموال و اشیاء دو رویه قائل شده است. نخست در موردی که صراحتاً حکم به شده استرداد اموال حاصله از جرم در ضمن حکم محکومیت قضایی تکلیف شده است، در این جا نیازی به رعایت تشریفات دادرسی مدنی از حیث تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات آن نیست و به موجب شکوائیه، در ضمن صدور حکم قضایی حکم به شده استرداد اموال داده خواهد شد (برای نمونه ماده ۶۶۷ قانون مجازات ۱۳۷۵ در باب سرقت). دوم: زمانی که به شده استرداد اموال تصریح نشده است، مطالبه اموال مستلزم رعایت تشریفات دادرسی مدنی از حیث تقدیم دادخواست و است خواهد بود. در واقع زمانی که نیاز به تقدیم دادخواست شده است شده استرداد اموال ناشی از جرم بر عهده مقام قضائی گذاشته شده است. با توجه به وضعیت موجود بهتر شده است که مقنن چنین حمایتی را به صورت جامع و فراگیر وضع نماید و رویه واحدی را برای شده استرداد اموال و اشیاء ایجاد کرده است تا بزه‌دیدگان برخی از جرائم در دسترسی به اموال خود ملزم به رعایت تشریفات بیشتری نباشند.

- اجازه طرح دعوی خصوصی ضمن دعوی عمومی

مجاز بودن زیان دیده نسبت به طرح دعوی خصوصی در ضمن دعوی عمومی امری شده است که مقنن آن را پذیرفته شده است و هر زیان دیده می‌تواند شاکی و مدعی خصوصی باشد. بر این اساس زیان دیده می‌تواند در حین دعوی قضایی خسارت ناشی از جرم را مطالبه نماید. قانون‌گذار ایران در مواد ۹ و ۱۱ قانون آئین دادرسی قضایی ۱۳۷۸ به این موضوع پرداخته شده است. ماده ۹ قانون اخیر برخلاف ماده ۹ سابق، که تمایزی بین شاکی و مدعی خصوصی قائل شده بود، شخصی را که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده یا حقی از قبیل قصاص و ذف پیدا کرده و آن را مطالبه می‌کرده است، مدعی خصوصی و شاکی استه شده است. ماده ۱۱ قانون ۱۳۷۸ نیز تصریح می‌کرده است که مدعی یا شاکی می‌تواند پس از آغاز پیگرد قضایی، مدارک خود را به مرجع تعقیب ارائه کرده است.

- درخوشده است صدور قرار تأمین خوشده استه

تأمین خوشده استه یکی از ابزارهایی شده است که در اختیار زیان دیده قرار گرفته و او می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را تقاضا کرده است (ماده ۷۴ قانون آئین دادرسی قضایی ۱۳۷۸). قرار تأمین خوشده استه را می‌توان یکی از ساز و کارهای حمایتی به شمار آورد که قانون‌گذار برای حکم به زیان دیده در زمینه تضمین و تسهیل دستیابی به جبران خسارت در نظر گرفته شده است. قطعی بودن قرار و عدم حق اعتراض برای متهم تضمین بیشتری را برای زیان دیده ایجاد می‌کرده است و این تضمین در ماده مذکور پذیرفته شده بود، اما مجدداً در قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ (قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۸۱) لغو و حق اعتراض متهم بر آن ایجاد شده شده است.

زیان دیده معمولاً بهترین کسی شده است که می‌تواند اطلاعاتی را در خصوص جنبه‌های مختلف رویداد مجرمانه به مقامات تحقیق ارائه دهد. یکی از اهدافی که در تحقیق از زیان دیده دنبال می‌شود، این شده است که زیان دیده مراجعه‌ی مستقیم به قاضی داشته باشد و میان قاضی تحقیق و زیان دیده ایجاد ارتباط شود. بنابراین و به‌ویژه در مواردی که تعقیب امر قضایی متعاقب بر شکایت شاکی صورت پذیر شده است، تحقیق از او می‌تواند به کشف حقیقت و درک صحیح از چگونگی وقوع جرم بینجامد. با توجه به این که حمایت زیان دیده بر پایه اصل مشارکت زیان دیده در فرایند عدالت شده استوار شده است، لذا ایجاب می‌کرده است که زیان دیده بتواند حقایق و نگرانی‌های خود را مطرح نماید تا از طریق مشارکت داشته و در پیشرفت پرونده به مقام تحقیق کمک کرده است. ماده ۱۲۴ قانون دادرسی قضایی ۱۳۷۸ به این موضوع می‌پردازد و حدود آن را ذکر می‌کرده است. مطابق این ماده تشخیص ضرورت حضور زیان دیده در جلسات تحقیق بر عهده مقام تحقیق شده است و از احضار زیان دیده جز در موارد ضروری باید اجتناب شود تا موجبات امتناع زیان دیده از مراجعه به دستگاه عدالت قضایی فراهم نشود. موارد مذکور در مورد شهود هم رعایت می‌شود. چه بسا احضار بی‌موقع و یا خارج از روال عادی، زیان دیده و شهود را دچار هزینه‌های زمانی، مالی و عاطفی می‌نماید و این امر باعث عدم تمایل شهود جهت حضور در تحقیقات و مکم به زیان دیده می‌شود.

- احضار یا جلب شهود و مطلعین واقعه

شهود و مطلعین واقعه در صورت لزوم توسط مقام تحقیق احضار کرده است در صورت عدم حضور برای بار دوم، دستور جلب آنان صادر می‌شود. چنین اقدامی موجب تسهیل و تسریع روند تحقیقات می‌شود و انتفاعی که برای زیان دیده قابل تصور شده است، این شده است که امکان دسترسی به زیان دیده به ادله اثباتی جرم بیشتر می‌شود. براساس قانون آئین دادرسی قضایی ۱۳۷۸، قاضی کسانی را که به تشخیص خود یا با معرفی شاکی (زیان دیده) یا اعلام مقامات مربوط... برای روشن شدن اتهام لازم بداند، برابر اصول مقرر احضار می‌کرده است (ماده ۱۴۸). همچنین، قاضی از هر یک از شهود و مطلعین به‌طور جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق مجدد و مواجهه آن‌ها در صورت لزوم بلامانع شده است (ماده ۱۵۱) (آخوندی، ۱۳۸۳: ۶۸-۸۲).

ب) حمایت‌های غیر مستقیم

- صدور قرار تأمین قضایی نسبت به متهم

قرار تأمین قضایی یکی از اقداماتی شده است که مقام تحقیق مکلف به انجام آن شده است. هدف اصلی از صدور این قرار حضور به موقع متهم و حضور در مواقع ضروری شده است که در تسریع روند تحقیقات، دادرسی، صدور و اجرای حکم مؤثر شده است و از طرف دیگر در صورت عدم حضور متهم در جلسات و صدور حکم محکومیت مالی در حق زیان دیده پرداخت خسارت از محل تأمین قضایی مالی پرداخت خواهد شد (مواد ۱۴۰ و ۱۴۵ قانون آئین دادرسی قضایی ۱۳۷۸). نتیجه‌ی چنین حمایتی ایجاد حس امنیت در زیان دیده شده است. وقتی احساس کرده است که دستگاه عدالت قضایی جهت احیای حقوق وی تلاش می‌کرده است و در این زمینه با متهم سخت‌گیری می‌کرده است و موانعی را برای جلوگیری از تضییع حقوق بر سر راه

متهم قرار می‌دهد تا او بیشتر در دسترس و موقعیت جبران خسارت از زیان دیده قرار گیرد موجبات اطمینان آرامش زیان دیده نسبتاً فراهم خواهد شد.

- جلب متهم

جلب متهم برای حضور در تحقیقات پیشرفت روند تحقیقات را به دنبال خواهد داشت. هرچند که هدف اصلی از جلب متهم روشن ساختن هرچه سریع‌تر برخی ابهامات شده است، اما در هر صورت خوشه‌ای ناخوش شده است زیان دیده از جلب متهم سود می‌برد. امکان دسترسی بیشتر و سریع‌تر به متهم حمایت حقوقی از زیان دیده محسوب می‌شود و بلا تکلیفی و انتظار ناشی از عدم حضور متهم مرتفع می‌گردد، که این نشان‌گر احترام به جایگاه و منزلت زیان دیده به‌عنوان فرد سهیم در امر تعقیب شده است. با توجه به ماده ۱۱۷ قانون آئین دادرسی قضایی ۱۳۷۸، متهمانی که پس از احضار حاضر نشوند، گواهی حضور نفرستند به دستور قاضی جلب کرده است.

- تفتیش و ضبط اوراق و اشیای متعلق به متهم و ثبت مکالمات تلفنی وی

تحصیل اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم و همچنین مراسلات پستی، مخابراتی، صوتی و تصویری مربوط به متهم که راجع به واقعه جرم یا مؤثر در تحقیقات باشد جهت کشف حقیقت و تکمیل تحقیقات و تسهیل انجام آن صورت می‌گیرد و منظور از چنین اقداماتی تضمین هرچه بیشتر کشف حقیقت شده است و به تبع آن پیشرفت‌های حاصل شده در پرونده منجر به تسهیل احراز اتهام می‌گردد. در این میان هرچند که زیان دیده به‌طور مستقیم مورد حمایت قرار نگرفته، اما به تبع اقدامات انجام شده و پیشرفت سریع پرونده تضمین دسترسی او به ابزارهای حمایتی بیشتر می‌شود. به موجب ماده ۱۰۴ قانون آئین دادرسی قضایی ۱۳۷۸، هرگاه، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی، صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد، می‌توان آن اشیاء را توقیف کرد. همچنین، کنترل تلفن افراد علاوه بر موارد امنیتی، برای احقاق اشخاص (از جمله بزه‌دیدگان) مجاز شده است (تبصره همان ماده).

- حضور در تحقیقات

به موجب قانون آئین دادرسی قضایی ۱۳۷۸ زیان دیده می‌تواند هنگام معاینه محل و تحقیقات محلی و تفتیش و بازرسی منازل و اماکن حضور داشته باشد (مواد ۷۸ و ۹۹). در واقع با پیش‌بینی حق حضور در تحقیقات، زیان دیده اجازه مشارکت در فرایند تحقیق را است (ماده ۷۳) و در برخی موارد می‌تواند مشارکت فعال داشته باشد (مواد ۹۱ و ۲۰۵) (آشوری، ۱۳۸۴: ۱۲۶-۱۳۴).

حال اگر ویژگی بایسته‌ی سیشده است جنایی را پاسخ سنجیده و کارآمد به پدیده‌ی مجرمانه بدانیم، دولت (با بازوان تقنینی - قضایی - اجرایی خود) و جامعه مدنی (با همه ظرفیهای موجود) دو ضلع یک الگوی مطلوب از آن شکل کرده است. بدین ترتیب در حوزه‌ی زیان دیده شناسی نیز دولت در سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی باید در کنار جامعه‌ی مدنی در یک سطح مشارکتی به حمایت از بزه‌دیدگان جامعه‌ی عمل بیوشاند، زیرا حمایت از بزه‌دیدگان رهگذر پیشگیری از بزه‌دیدگی جلوه‌ای از کنترل و پاسخ به پدیده مجرمانه در تعریف

سیشده است جنایی شده است. این چندگانگی لایه‌های سیشده است جنایی از یک سو گوناگونی و گستردگی حمایت از بزه‌دیدگان از سوی دیگر به ترسیم یک الگوی حمایتی مطلوب می‌انجامد که تصویر آن در چارچوب هر یک از لایه‌های پیش‌گفته‌ی سیشده است جنایی رنگ واقعیت به خود می‌گیرد، این الگوی مطلوب دست‌کم پنج گونه است.

۱- حمایت قضایی

حمایت قضایی به گواهی تاریخ حقوق سنتی‌ترین گونه حمایتی که چون در روزگار ما از رهگذار جرم‌انگاری در پوشش قانون شناخته می‌شود، در چارچوب سیشده است جنایی تقنینی می‌گنجد. در حمایت قضایی دست‌کم چهار حالت را می‌توان تصور کرد:

الف) حمایت قضایی ساده

از آن‌جا که هر جرمی اصولاً زیان دیده‌ای است، جرم‌انگاری هر رفتار منع شده را که نیازمند پیش‌بینی یک ضمانت اجرای مشخص و معمولاً قضایی شده است، حمایت قضایی می‌توان است. نکته مهم در این مورد که نباید از چشم قانون‌گذار دور بماند، گزینش ضمانت اجرای مناسب برای رفتار جرم‌انگاری شده است. اگر قانون‌گذار در این لغزش بلغزد، نقش پیش‌گیرنده و حمایتی قانون را عقیم می‌گذارد. درستی این گزینش مناسب به بهره‌مندی از یک نظام سنجیده و مسجّم ضمانت اجراها بستگی است، چون اگر تنها داشته‌ی یک نظام عدالت جنایی ضمانت مانند حبس، جزای نقدی و تازیان باشد، کامیابی پیوسته و مسلمی به همراه نخواهد داشت.

ب) حمایت قضایی تشدید

جرم‌انگاری همراه با پیش‌بینی یک ضمانت اجرای قضایی مناسب ساده‌ترین گونه‌ی یک حمایت قضایی شده است، مصلحت‌های سیاسی جنایی گاهی ایجاب می‌کرده است که با تشدید ضمانت اجراها به این حمایت قضایی جامه عمل پوشانده شود. این تدبیر گونه‌ی ویژه‌ای از تشدید عینی شده است (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۱۷-۲۱۹)، که تأکید بر شخص زیان دیده حمایت قضایی از او را دنبال می‌کرده است. برای نمونه بر پایه‌ی ماده‌ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ چنان‌چه سن زیان دیده پائین‌تر از ۱۵ سال باشد کیفر بزه آدم‌ربایی تا حداکثر کیفر قانونی تشدید می‌شود (بختیاری، ۱۳۸۴: ۳۰).

ج) حمایت قضایی ویژه یا افتراقی

سومین جنبه‌ی حمایت قضایی به جرم‌انگاری‌های ویژه بر پایه و وضعیت آسیب‌شناخته‌ی زیان دیده ناظر شده است. نکته مهمی که درباره‌ی حمایت قضایی از بزه‌دیدگان خاص (مانند بانوان و کدکان زیان دیده) این شده است که اگرچه سیشده است جنایی ایجاب می‌کرده است تا از پاسخ‌های قضایی به منزله‌ی آخرین جنایی و قانون‌گذاران را وامی‌است تا در جرم‌هایی که به‌ویژه کرامت انسانی را نشان دهند. از این‌رو نیز همه مقرراتی را

که در قوانین قضایی ایران سیشده است جرم‌انگاری برای رفتارهای نقص‌کننده‌ی کرامت انسانس بانوان و کودکان پیش‌بینی شده‌اند، در چارچوب یک حمایت قضایی ویژه یا اقتراقی تفسیر کرده‌ایم (همان، ۵۹).

د) حمایت قضایی دنباله‌دار

اگر ساز و کاری به‌نام جرم‌انگاری را همراه با پیش‌بینی یک ضمانت اجرای قضایی گرانی گاه حمایت قضایی بدانیم، ممکن شده است در پی آن قانون‌گذار با پیش‌بینی ضمانت اجراهای دیگری برای نمونه از نوع مدنی اداری انضباطی و مانند آن‌ها به حمایت از زیان دیده جامه عمل ببوشاند. این ساز و کار از آن‌جا که ضمانت اجراهای یاد شده اصولاً در پی جرم‌انگاری یا یک ضمانت اجرای - معمولاً قضایی - می‌آید می‌توان حمایت قضایی دنباله‌دار است.

۲- حمایت مالی

یک از گونه‌های حمایت از بزه‌دیدگان، حمایت‌های مالی شده است که به دلیل ویژگی‌هایی که است. حمایت مالی ترجمان جبران خسارت مادی از راه‌هایی مانند برگرداندن مال، پرداخت پول یا هزینه‌هایی که زیان دیده به دنبال رویداد جرم محتمل شده و نیز پرداخت غرامت از رهگذر دولت شده است. به‌طور کلی جبران خسارت مادی ممکن شده است به دنبال آسیب برخشده استه از جرم به دارایی‌های زیان دیده باشد همچنان که ممکن شده است از آسیب‌های بدنی یا روانی وارد به زیان دیده سرچشمه بگیرد، اما درباره جبران آسیب‌های عاطفی گرایش برتری که به چشم می‌خورد، برآورد ناپذیری مطلق مالی آن‌ها شده است به همین جهت بسیاری از کشورها اگرچه جبران آسیب‌های روانی را در کنار جبران آسیب‌های بدنی پذیرفته‌اند، اما به ترمیم آسیب‌های عاطفی نپرداخته‌اند. در ایران هم جبران‌پذیری مالی خسارت‌های مادی پذیرفته شده است (ماده‌ی ۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ماده‌ی ۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور قضایی ۱۳۸۷)، اما از خسارت‌های معنوی نامی به چشم نمی‌خورد.

۳- حمایت عاطفی و حیثیتی

روشن شده است که هر جرمی گذشته از خسارت‌های مادی، ازردگی خاطر زیان دیده را نیز به همراه است. این ازردگی خاطر که از آسیب به عواطف و احساسات فرد یا حیثیت شخص برمی‌خیزد و در جرم‌های مختلف بازتاب‌های گوناگونی است «درد و رنج عاطفی و حیثیتی» استه می‌شود که از آسیب روانی جد شده است. آسیب روانی نوعی نارسایی یا اختلال و به سخن دیگر گونه‌ای از بیماری‌ها شده است که در روان فرد پدید می‌آید و روان عبارت شده است از مجموعه‌ی قوای ذهنی معطوف به هوش، حافظه و عاطفه که شده استعداد و کیفیت رفتاری شخص را مشخص می‌کرده است.

حمایت عاطفی، کمک‌های روان‌شناسانه‌ای شده است که برای ترمیم درد و رنج‌های عاطفی بزه‌دیدگان انجام می‌شود و پیش از هر چیز نقش روان‌شناسان و روان‌کاوان بهره‌مند از روان‌شناسان متخصص تضمین کرد، اما اهمیت نقش روان‌شناسی در حمایت عاطفی هرگز به معنای انحصار آن در دست روان‌شناسان متخصص نیست. حمایت‌های عاطفی را ممکن شده است انجام دهند که خود پیش‌تر از بزه‌دیدگان دیروز با راه‌اندازی

انجمن‌های کمک به بزهدیدگان همواره این امکان را در میان بندند که پشتیبان عاطفی بزهدیدگان امروز باشند، به عبارت دیگر سخن کسی که بیش‌ترین تجربه بزهدیدگی را چشیده بهتر از هر کس دیگر درد و رنج‌های زیان دیده کنونی را می‌فهمد و می‌تواند به او کمک کرده است.

در نظام عدالت جنایی ایران از آن جایی که سیشده است جنایی مشارکتی به‌مثابه نوزادی می‌ماند که رفته رفته به دنبال جایگاه واقعی خود در عرصه‌ی عدالت شده است، حمایت عاطفی از رهگذر کمک‌های روان‌شناسانه نمود چندانی ناست. در ایران هرچند قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ راه‌های جبران خسارت، از جمله خسارت معنوی را پیش‌بینی کرده بود (ماده‌ی ۱۰) و ضرورت جبران آن همواره در دیگر موارد تأکید قانون‌گذاران ما بوده، در قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور قضایی ۱۳۸۷ نامی از آن برده نشده شده است، اما در سطح رویه قضایی به تازگی تلاش‌هایی برای باز یافتن جایگاه خسارت‌های معنوی به چشم می‌خورد که در صورت پیشرفت بی‌گمان به حمایت عاطفی و حیثیتی از بزهدیدگان کمک خواهد کرد.

۴- حمایت حقوقی

حمایت حقوقی عبارت شده است از پیش‌بینی ساز و کارهایی برای احقاق این حقوق و برآورده کردن نیازهای بزهدیدگان به‌ویژه جبران خسارت و تسهیل آن در سرا سر فرایند جنایی. تدابیری مانند حق داشتن وکیل در سرا سر فرایند جنایی، حق طرح دعوای ضرر و زیان و پیش‌بینی شرایط آن، حق درخو شده است پژوهش از دعوای ضرر و زیان، معاف دانستن زیان دیده از هزینه‌های دادرسی در صورت ناتوانی وی از پرداخت آن‌ها و... نمونه‌های برجسته‌ای از حمایت حقوقی مشخص برای بزهدیدگان به رسمیت شناخته شود، نمونه‌های پراکرده استه‌ای از این حمایت به چشم می‌خورد: ماده‌ی ۱۸۵ حق گزینش وکیل مدافع، ماده‌ی ۱۹۱ نیز از حق درخوشده است زیان دیده برای تحقیق در دادگاه نام می‌برد، ماده‌ی ۱۹۶ این حق را به تحقیق از گواهان نیز گسترش می‌دهد، ماده‌ی ۲۳۹ زیان دیده یا وکیل یا نماینده قانونی او را یکی از اشخاص می‌داند که حق درخوشده است پژوهش دارند و سرانجام ماده‌ی ۳۰۱ حق درخوشده است معافیت زیان دیده از هزینه دادرسی را با شرایطی امکان‌پذیر دانسته شده است.

ناگفته نماند که حمایت حقوقی بخش مهمی از برنامه‌ی کمک به بزهدیدگان شده است که نه تنها در مقابله‌ی آنان با آسیب عاطفی، بلکه به شرکت فعال‌تر آنان در فرایند جنایی، به دست آوردن جبران خسارت و به‌طور کلی مقابله با دشواری‌هایی برخسده استه از بزهدیدگان شده است که در آسان کردن یا جامه‌ی عمل پوشاندن به جنبه‌های دیگر حمایتی مانند عاطفی یا حمایت مالی بسیار نقش است. همچنین حمایت حقوقی یکی از جلوه‌های برجسته‌ی یک الگوی حمایتی شده است که نقش آن در هر چهار لایه‌ی یک سیشده است جنایی مطلوب به روشنی آشکار شده است. در نظام عدالت جنایی ایرانف گذشته از جلوه‌های پراکرده استه حمایت حقوقی در سطح سیشده است جنایی تقنینی جایگاه چندانی از آن و پیشرفت چشمگیری در دیگر لایه‌های سیشده است جنایی نمی‌توان دید. اگرچه با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب امکان بهره‌مندی بزهدیدگان از خدماتی مانند واحدهای ارشاد و معاضدت قضایی فراهم شده (ماده ۱۰ این قانون: ا صلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸ و مواد ۳۱-۳۰ آئین‌نامه اجرایی آن) حجم بالای متهمان و محکومان مراجعه‌کننده به این واحدها امکان بهره‌مندی مطلوب بزهدیدگان از خدمات موجود را می‌ستاند، وانگهی خدمات این واحدها در

عمل بیشتر برای امور ابتدایی و ساده‌ای مانند تنظیم لایحه یا شکایت‌نامه صرف می‌شود و بنابراین واحدهای یادشده کمتر مجال آن را می‌یابند که به حمایت‌های حقوقی مهم‌تر است.

۵- حمایت اجتماعی

حق امنیت اجتماعی؛ یعنی این‌که جامعه باید از حقوق بنیادی اعضای آسیب‌پذیر خود از جمله: بزه‌دیدگان حمایت کرده است. بهره‌مندی از سطح زندگی مناسب نیز در کنار حق امنیت اجتماعی، پایه‌های اصلی یک نظام حمایت اجتماعی زیان دیده مدار را تشکیل کرده است. حمایت اجتماعی بیش از هر چیز از رهگذر انجمن‌ها یا نهادهایی جامه عمل می‌پوشد که به ابتکار خود بزه‌دیدگان راه‌اندازی شده یا برخی از نهادهای رسمی یا وزارتخانه‌ها آن‌ها را راه‌اندازی می‌کنند. بزه‌دیدگان پاره‌ای جرم‌ها، به‌ویژه جرم‌های خشونت‌بار مانند همسرآزاری، تجاوز جنسی، گاهی با راه‌اندازی انجمن‌ها کمک به بزه‌دیدگان خاص، به حمایت از بزه‌دیدگانی می‌پردازند که پیش‌تر با راه‌اندازی صندوق‌های جبران خسارت یا بهره‌گیری از روان‌شناسان و روان‌کاوان متخصص کمک‌های مالی یا عاطفی را نیز پوشش می‌دهد (گودرزی‌بروجردی، ۱۳۸۴: ۲۱۸-۲۲۳).

وظایف دستگاه قضایی در مقابل بانوان زیان دیده

اولین وظیفه‌ی دستگاه قضایی این شده است که دستگاه قضایی باید زیان دیده را نسبت به نقش و امکاناتی که در اختیار است، نسبت به فرایند دادرسی و مسائل قضایی آگاه کرده است. در این‌جا مشاوره قضایی می‌تواند به زیان دیده کمک شایانی بکرده است، به او بگوید که تو می‌توانی از این حقوق خودت این‌گونه دفاع کنی. نباید فرد احساس بی‌پناهی و سردرگمی کرده است، نباید فرد احساس کرده است که صدمه‌ای به او وارد شده، خسارتی به او وارد شده و کسی هم پاسخ‌گو نیست. دومین وظیفه تسریع در فرایند دادرسی شده است، نباید جریان دادرسی طول بکشد و فرد به حقتش نرسد، سومین وظیفه این شده است که علاوه بر این‌که باید به زیان دیده بگوئیم تو حق وکیل گرفتن داری، تو می‌توانی بر اساس مشورت و همراهی وکیل حقت را بگیری و به وکیل داده شود. همچنین دستگاه قضایی باید برای بزه‌دیدگان در طول دادرسی کمک‌های مطالبه شده‌ی آن‌ها را فراهم بیاورد، دستگاه قضایی باید تدابیر لازم را برای رفع یا کاهش مشکلات بزه‌دیدگان اتخاذ کرده است، در صورت نیاز از زندگی خصوصی آن‌ها حمایت کرده است. امنیت خودشان، امنیت خانواده‌شان، امنیت شهودشان را تأمین کرده است و علاوه بر این‌ها آن‌ها را از مقابله به مثل و انتقام باز است.

صدور حکم مناسب هم از وظایف دیگر دستگاه قضایی شده است. البته تنها صدور کفایت نمی‌کرده است، بلکه قطعیت در اجرای آن از جمله اموری شده است که می‌تواند بزه‌دیدگی فرد را التیام بخشد.

باتوجه به مطالب آمده روشن شده است که برای حمایت قضایی از بانوان زیان دیده در درجه‌ی اول باید سیشده است تقنینی مطلوب و قابل اجرایی را تنظیم نمود. در بسیاری موارد تصور بر این شده است که حمایت تقنینی از قربانیان تنها با جرم‌انگاری و وضع مجازات برای جرائم ملازمه است؛ این واقعیت که بزه‌دیدگان مانند متهمان و بزه‌کاران از حقوق مشخصی بهره‌مندند باید در همه ارکان قضایی و تمام اجزای نظام عدالت قضایی، درونی و نهادینه گردد. در این میان نقش دادرسان در تضمین حمایت اساسی از قربانیان بسیار برجسته و حساس شده است. بی‌طرفی دادرس بیش‌از هرچیز در دستیابی به این حمایت اساسی نقش تعییت‌کننده است. از طرف دیگر اگر قوانین ویژه‌ی منسجمی در دسترس باشد بهتر می‌توان از دادرس انتظار داشت تا برپایه‌ی ملاک‌های قانونی بر حمایت از قربانیان جامه‌ی عمل ببوشاند. در کنار نقش دادرسان، تأثیر ضابطان دادگستری به‌ویژه نیروی انتظامی یا پلیس را در چارچوب یک سیشده است جنایی قربانی‌مدار نباید ناچیز برآورد کرد.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رفتار ضابطان با قربانیان مهم‌ترین میزان سنجش رضایت‌مندی آنان از نظام عدالت قضایی شده است. در این جا شده است که اگر دستگاه عدالت در رفتار با قربانیان و برآورد کردن نیازهای به‌جا و پذیرفتنی آنان کوتاهی نماید بزه‌دیدگی دومین واقع می‌شود که آثار آن از بزه‌دیدگی اولیه کم‌تر نیست. در حقیقت دستیابی به الگوی حمایت قضایی در چارچوب سیشده است جنایی علاوه بر این که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و منسجم شده است، بودجه و امکانات مالی را نیز می‌طلبد. برنامه‌ریزی دقیق جهت ارائه رویکرد حمایتی مطلوب علاوه بر رعایت چارچوب‌های سیشده است جنایی مذکور، نیازمند انجام پیمایش‌های ملی یا شده استانی قربانی‌مدار از قربانیان شده است که برپایه‌ی آن بتوان آثار و نیازهای قربانیان را تشخیص داد و سپس آن‌ها را ارزیابی و اجرا نمود. معطوف کردن توجه قانون‌گذار و سایر دستگاه‌های اجرایی در تدوین و اتخاذ رویکرد حمایت قضایی بسیار مؤثر شده است.

- آخوندی، محمود. (۱۳۸۳). آئین دادرسی قضایی، تهران، انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد. (۱۳۸۴). آئین دادرسی قضایی، تهران، سمت.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۳). حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان.
- بختیاری، حمید. (۱۳۸۴). سیشده است جنایی ایران در قبال اطفال زیان دیده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اراک.
- بکاریا، سزار. (۱۳۸۰). رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، میزان.
- توجهی، عبدالعلی. (۱۳۷۷). جایگاه زیان دیده در سیشده است جنایی ایران، رساله دکتری در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، به راهنمایی روانشاد مهدی کی‌نیا و علی حسین نجفی ابرند آبادی، دانشگاه تربیت
- حسینی، سید محمد. (۱۳۸۳). سیشده است جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- کار، مهرانگیز. (بی‌تا). ساختار حقوقی نظام خانواده در ایران، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا. (۱۳۸۴). سیشده است جنایی قضایی، تهران، سلسبیل.
- مهر، نسرین. (۱۳۸۴). زن و حقوق قضایی، تهران، سلسبیل.